

## شروط تنصیف دارایی به نفع زوجه

چنانچه سوء رفتار و سوء اخلاق زوجه موجب شده باشد تا زوج اقدام به طلاق وی کند، شرط تنصیف دارایی محقق نخواهد شد.



چنانچه سوء رفتار و سوء اخلاق زوجه موجب شده باشد تا زوج اقدام به طلاق وی کند، شرط تنصیف دارایی محقق نخواهد شد.

به گزارش «تابناک» زمانی زوجه می تواند از شرط تنصیف دارایی به نفع خود استفاده کند که طلاق صورت گرفته باشد. به عبارت دیگر امکان الزام شوهر برای اجرای شرط موصوف پیش از درخواست طلاق ناشی از درخواست وی وجود نخواهد داشت.

همچنین طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد. به عبارت دیگر چنانچه سوء رفتار و سوء اخلاق زوجه موجب شده باشد تا زوج اقدام به طلاق وی کند شرط تنصیف دارایی محقق نخواهد شد.

باید حتما مرد متقاضی طلاق باشد. به عبارت دیگر مطابق قانون طلاق به اراده مرد است بنابراین چنانچه وی بخواهد از این حق قانونی خود استفاده کند، درست است که در واقع از قید و بند زندگی مشترک رهایی می یابد، اما ناگزیر به تمکین از شرط تنصیف دارایی خواهد بود.

این در حالی است که بسیار اتفاق افتاده که متقاضی طلاق زن است. در حالی که دلیل طلاق سوء رفتار یا عیوبی در مرد است که زن را بر آن داشته تا اقدام به طلاق کند. به عبارتی دیگر مواردی ممکن است محقق شود که موجب عسر و حرج زن شود و ادامه زندگی با مرد را برای وی با رنج و مشقت توأم سازد، لذا می توان شرط موصوف را به گونه ای تنظیم کرد که این مورد را نیز در بر داشته باشد.

ملاک ارزیابی اموال در شرط تنصیف دارایی تا نصف اموال یا معادل آن است. به عبارت دیگر میزان و مبدا محاسبه نصف دارایی یا معادل آن، از کمترین اموال زوج تا سقف پنجاه درصد آن است.

زوجه این امکان را نخواهد داشت تا هر مالی از زوج را برای خود و در راستای شرط موصوف مطالبه کند. به عبارت دیگر شرط تنصیف دارایی فقط مختص به دارایی است که در زمان زوجیت حاصل شده باشد، بنابراین اموالی را که زوج پیش از ازدواج داشته یا به وی ارث رسیده است را نمی توان در راستای اجرای شرط موصوف به زوجه داد.

آخرین شرطی که باید وجود داشته باشد تا شرط تنصیف دارایی به نفع زوجه قابل اجرا باشد، موجود بودن اموال حین طلاق است؛ بنابراین شامل اموال از بین رفته اعم از تلف یا مفقود شده، نخواهد بود.

از طرف دیگر نکته ای که باید بدان توجه داشت مقدم بودن دیون بر اجرای شرط موصوف خواهد بود. چه اینکه مطابق قانون دیون فرد باید از دارایی وی پرداخت شود، در حالی که اجرای شرط تنصیف نیز از دارایی فرد صورت خواهد گرفت؛ لذا چطور می توان اجرای این شرط را بر تادیه دیون مقدم دانست؟ در حالی که هر دو از یک محل کارسازی می شوند.

اما در جمع بندی باید بیان داشت، تنها در شرایطی که زن درخواست جدایی نداده باشد و همچنین از وظایف زناشویی خود تخلف نکرده باشد و رفتار و اخلاق ناشایست نیز نداشته باشد، این شرط قابلیت اجرا پیدا می کند.

از طرف دیگر باید بیان داشت که احراز این موارد نیز بر عهده دادگاه است، لذا مرد همواره می تواند با اثبات و تحقق این امور، اجرای شرط تنصیف را با مخاطره روبرو سازد.

اما آیا به درستی می توان از این شرط به عنوان ابزاری در جهت برابری حقوق مرد و زن نام برد؟ چه اینکه همواره امکان مخفی کردن اموالی که بعد از زندگی مشترک حاصل می شود وجود خواهد داشت؛ لذا زوجه نیز با فرض حسن معاشرت و انجام وظایف قانونیش، در راه تشخیص و شناسایی این اموال دچار مشکل خواهد شد. زیرا امضای چنین شروطی به معنای مسدود شدن راه های جلوگیری از اجرای شرط نیست.

به عبارت دیگر همواره راه هایی وجود خواهد داشت تا با ایجاد ظاهری قانونی، اجرای شرط موصوف در حق زوجه را با مخاطره روبه رو کرد یا غیرممکن ساخت.

از همین روی و با توجه به مخیر بودن طرفین در درج شروط ضمن عقد ازدواج پیشنهاد می شود طرفین مسیر تحقق شرط تنصیف را از طریق حذف برخی قیود در آن هموارتر سازند یا آنکه در مواردی که طلاق به خواست زن و به واسطه عسر و حرج ناشی از زندگی مشترک است، باز هم تنصیف دارایی محقق شود.

اهمیت ایجاد این تغییر زمانی روشن می شود که بیان کنیم ممکن است دارایی مرد در زمان زندگی مشترک به هیچ عنوان اضافه نشده باشد. از طرف دیگر قبول و امضای شروط ضمن عقد ازدواج معمولاً با برقراری توازنی صورت می گیرد، به عبارتی دیگر امتیازی داده و در مقابل آن امتیازی گرفته می شود بنابراین زوج ممکن است از قبول و امضای این شرط به عنوان ابزاری برای پایین آوردن مهریه استفاده کرده باشد و این طور می شود که زن دیگر هیچ پشتوانه محکمی در زندگی نخواهد داشت.